**جلسه240 – 28/ 08/ 1398 احادیث شفعه /نقل های قاعده /قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث در حدیث شفعه از نقل های قاعده لا ضرر بود. برخی مانند مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی، مرحوم نائینی و مرحوم خویی، ظهور روایت در اتصال لا ضرر به حکم به شفعه در کلام پیامبر ص را پذیرفته ولی با وجوهی از این ظهور رفع ید کرده اند. در جلسات گذشته، وجه بیان شده در کلام مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی مورد بحث قرار گرفت. مرحوم نائینی نیز دو وجه بیان کرده که بحث در بیان دوم ایشان است. مرحوم نائینی می فرماید: لا ضرر و لا ضرار تنها در صورتی بر شفعه تطبیق می شود که مفاد آن حکم به جبران ضرر باشد. در حالی که لا ضرر و لا ضرار نفی حکم به لسان موضوع یا نفی مستقیم حکم است و این مفاد، نمی تواند مثبت حق شفعه باشد.

مرحوم صدر و آقای سیستانی بر کلام ایشان اشکال داشته و می فرمایند: باید با توجه به ظهور روایت در اتصال، معنایی را برای روایت اختیار کرد.

در این جلسه، دو تقریب برای کلام مرحوم نائینی که اشکال مرحوم صدر و آقای سیستانی بر آن وارد نیست را بیان کرده و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## تقریب کلام مرحوم نائینی در نفی اتصال لا ضرر به حدیث شفعه

مرحوم نائینی و به تبع ایشان مرحوم خویی، استظهار کردند: لا ضرر و لا ضرار ذیل حدیث شفعه نیست. به این بیان که لا ضرر و لا ضرار تنها در صورتی بر شفعه تطبیق می شود که مفاد آن حکم به جبران ضرر باشد. در حالی که لا ضرر و لا ضرار نفی حکم به لسان موضوع یا نفی مستقیم حکم است و این مفاد، نمی تواند مثبت حق شفعه باشد.

آقای سیستانی و مرحوم صدر، اعتراض کردند که نباید اول معنایی را برای روایت اختیار کرده و با توجه به معنای اختیار شده، ظهور روایت در اتصال را نفی کرد. بلکه باید با توجه به ظهور روایت در اتصال، معنایی را برای روایت اختیار کرد.

### تقریب اول: نصوصیت لا ضرر در نفی حکم ضرری

بیان شد: به این سبک نباید به مرحوم نائینی اشکال کرد زیرا امکان دارد مرحوم نائینی لا ضرر و لا ضرار را نص در نفی حکم ضرری دانسته و با توجه به نصوصیت این معنا، از ظهور روایت در ذیل بودن لا ضرر و لا ضرار نسبت به حدیث شفعه، رفع ید کند.

### تقریب دوم: سکوتی بودن ظهور در اتصال

حتی ممکن است ایشان بیان کند: ذیل بودن لا ضرر و لا ضرار نسبت به حدیث شفعه، به برکت سکوت است و با وجود ظهور لا ضرر و لا ضرار در نفی حکم ضرری و عدم امکان تطبیق آن با حق شفعه، سکوت از بین رفته و دیگری ظهوری برای روایت در مذیّل بودن به لا ضرر و لا ضرار باقی نمی ماند.

در توضیح باید گفت: اگر مرجع ضمیر قال در «و قال لا ضرر و لا ضرار» پیامبر ص باشد، این کلام توسط امام صادق ع از پیامبر ص نقل شده و لا ضرر و لا ضرار ذیل حدیث شفعه است و اگر مرجع ضمیر قال، امام صادق ع باشد، عقبه بن خالد این گفتار را از امام صادق ع نقل کرده و لا ضرر و لا ضرار ذیل حدیث شفعه نخواهد بود. پس ذیل بودن لا ضرر و لا ضرر مبتنی بر ارجاع ضمیر به پیامبر ص است. استظهار رجوع ضمیر به پیامبر ص، به این دلیل است که ظهور کلام در این است که متکلم تا زمانی که از منقول فارغ نشده، کلام بعدی نیز ادامه منقول است. در نتیجه لا ضرر و لا ضرار، ادامه منقول از امام صادق ع بوده و حضرت ع نیز از پیامبر اکرم ص نقل کرده است. پس مرجع ضمیر قال پیامبر ص بوده و مذیّل بودن حدیث شفعه به لا ضرر اثبات می شود.

برای توضیح بیشتر به بحثی از ورود و تزاحم اشاره می شود.

#### تفاوت ورود و تزاحم

مرحوم آقای صدر ورود را با تزاحم مقایسه کرده و می فرماید: دلیل وارد، موضوع دلیل مورود را از بین برده و دیگر بین دلیل وارد و مورود، اهم و مهم سنجیده نمی شود. زیرا با وجود حکم وارد، حکم مورود موضوع ندارد در حالی که تزاحم در جایی است که هر دو حکم موضوع داشته ولی فعلیت هر دو حکم، موجب تزاحم باشد. مثلا در بحث حج، گفته شده: وجوب حج متوقف بر این است که هیچ واجبی با حج مزاحمت نکند زیرا شرط وجوب حج، استطاعت بوده و در استطاعت عدم مزاحمت با واجب دیگر، اخذ شده است. در این صورت، دیگر بین حج و واجب مزاحم، اهم و مهم بودن سنجیده نمی شود.

#### انواع مقتضای ظهور: فعلی و تعلیقی

شبیه به همین بحث، در بحث ظهورات و دلالات نیز وجود دارد:

گاه در دلیل نکاتی وجود دارد که مقتضی ظهوری است. در این فرض، تزاحم مقتضیات ظهور صورت گرفته و باید دید کدام مقتضی اقوی است.

گاه تزاحم دو مقتضی وجود نداشته و یکی از دو ظهور متوقف بر نبود ظهور دیگر است به نحوی که با وجود ظهور دیگر، مقتضی این ظهور از بین می رود. مثلا کشی از عیاشی سوال می کند: فلان راوی واقف چگونه است؟ عیاشی در پاسخ می گوید: ثقه است. بنابر نظر مختار، اطلاق ثقه دالّ بر صحت مذهب است. معنای اطلاق این است که سکوت متکلم از قید زدن، موجب استظهار وثاقت در دین از کلمه ثقه می شود. همانگونه که روشن است، سکوت متوقف بر نبود ظهور بر خلاف است و با توجه به ظهور واقف در واقفی بودن، کلمه ثقه ظهور در وثاقت در دین پیدا نخواهد کرد.

در مورد بحث نیز ممکن است گفته شود: ظهور دلیل لا ضرر و لا ضرار در ذیل بودن حکم شفعه و بیان لا ضرر و لا ضرار در مجلس حکم به شفعه توسط پیامبر ص، به برکت سکوت است زیرا ظهور، ناشی از آن است که در صورت تمام شدن منقول، متکلم باید قرینه بر تمام شدن منقول اقامه کند و با عدم ذکر قرینه بر اتمام منقول، ظهور در ادامه منقول بودن ایجاد شده و اثبات می شود «و قال لا ضرر و لا ضرار» ادامه کلام صادق ع بوده و مرجع ضمیر قال پیامبر ص است و در نتیجه، ثابت می شود پیامبر ص این کلام را در مجلس حکم به شفعه فرموده است.

با این توضیح این اشکال به مرحوم نائینی وارد نیست که نمی توان ابتدا معنایی را اختیار کرده و با توجه به معنای اختیار شده، ذیل بودن را نفی کرد. زیرا مرحوم نائینی می تواند بیان کند: ظهور لا ضرر و لا ضرار در نفی حکم ضرری، ظهور در ذیل بودن از بین رفته و دیگر نوبت به اظهر و ظاهر نمی رسد.

در نتیجه دو تقریب برای کلام مرحوم نائینی بیان شود.

1. معنای نفی حکم ضرری در لا ضرر و لا ضرار، قطعی است در حالی که دلالت روایت بر ذیل بودن لا ضرر و لا ضرار در کلام پیامبر ص به ظهور است و به قرینه نص از ظهور رفع ید می شود.
2. ظهور لا ضرر و لا ضرار در نفی حکم ضرری بالفعل است در حالی که ظهور روایت بر ذیل بودن متوقف بر نبود ظهور دیگر است و ظهور فعلی وارد بر ظهور تعلیقی و تقدیری است.

اما این دو بیان ناتمام است زیرا دلیلی بر قطعی بودن معنای نفی حکم ضرری در لا ضرر و لا ضرار و هم چنین بر تعلیقی بودن ظهور در ذیل بودن وجود ندارد.

### پاسخ به تقریب اول: نص نبودن لا ضرر در نفی حکم ضرری

در پاسخ به بیان اول، دو نکته وجود دارد که مانع نصوصیت لا ضرر و لا ضرار در نفی حکم ضرری است.

#### نکته اول: احتمال اراده تدارک ضرر

اولین نکته در نفی نصوصیت لا ضرر در نفی حکم ضرری این است که معنای اولیه لا ضرر نبود تکوینی ضرر زدن و ضرر دیدن است و با توجه به وجود تکوینی ضرر و اضرار، نفی تکوین مراد نیست. با رفع ید از تکوین، مدعای مرحوم نائینی این است که ضرر نبودن در عالم تشریع به معنای مرتفع شدن حکمی است که منشأ ضرر شود. اما این معنا تنها ظاهر کلام بوده و متعیّن نیست. بلکه معانی دیگری و لو به نحو خلاف ظاهر وجود دارد که ممکن است لا ضرر ناظر به آن باشد مثل این معنی که ضرر متدارک، ضرر نیست. هر چند این معنا خلاف ظاهر است ولی باعث می شود معنای اول از نصوصیت خارج شود. پس باید بحث شود خلاف ظاهر بودن معنا کردن به تدارک ضرر بیشتر است یا خلاف ظاهر در نفی ذیل بودن لا ضرر و لا ضرار.

#### نکته دوم: احتمال کبری نبودن لا ضرر

نکته دیگر این است که حتی اگر لا ضرر و لا ضرار ذیل حدیث شفعه باشد، کلی بودن لا ضرر و لا ضرار و مصداق بودن حکم به شفعه نسبت به لا ضرر قطعی نبوده و به ظهور است. هر چند ظهور بیان کلامی که می تواند قانون بوده و ملاک حکم جزئی بیان شده باشد، در ذکر حکم کلی است اما این احتمال نیز وجود دارد که با توجه به این که حکمت لا ضرر و لا ضرار جلوگیری از تضرّر مردم است، پیامبر ص حکم دیگری را که حکمت در جعل آن نیز جلوگیری از تضرّر است، بیان کرده باشد. مراد از حکم اخیر، حرمت تکلیفی ضرر و اضرار است. البته احتمال اخیر خلاف ظاهر است و ظهور ذکر لا ضرر، معلّل کردن حکم به شفعه است نه آنکه حکم دیگری را که مرتبط به حکم به شفعه است، بیان کند. اما با این حال، نصوصیت دلیل را نفی می کند.

### پاسخ به تقریب دوم: تفاوت ظهور در ذیل بودن با اختلاف مبانی

تقریب دوم این بود که ظهور لا ضرر و لا ضرار در نفی حکم ضرری، ظهوری فعلی بوده و ظهور دلیل در ذیل بودن لا ضرر نسبت حدیث شفعه، ظهوری تعلیقی است. در پاسخ به این تقریب می توان گفت: ظهور لا ضرر و لا ضرار در بیان کبرای کلی و مستند حکم شخصی، ظهوری تعلیقی است زیرا این ظهور ناشی از عدم ذکر قرینه بر بیان حکم جدید است و اگر قرینه ای بر این وجود داشته که پیامبر ص در لا ضرر و لا ضرار در مقام بیان حکم جدید هستند، ظهوری برای کبری بودن لا ضرر و لا ضرار برای شفعه، شکل نمی گیرد.

برای تبیین بیشتر به این نکته اشاره می شود که دالّ گاه بالفعل است مانند دالّ های وضعی و برخی از دالّ های غیر وضعی و گاه دالّ بالفعل نبوده و متوقف بر نبود قرینه دیگر است.

مثل آنکه، در زمان قدیم برنج خوردن نادر بود و اهل تهران هفته ای یکبار برنج می خوردند و اهل قم، سالی یکبار و شب عید برنج می خوردند. شخصی برای بیان این مطلب گفته بود: تهرانی ها امروز پلو می خورند می ره ه ه ه تا هفته بعد اما قمی ها این عید پلو، اون عید پلو. دلالت این کلام بر فاصله بودن بین دو وعده پلو خوری برای تهرانی و نبودن فاصله برای قمی ها به علت سرعت در گفتار و کش دار کردن آن است. کش دادن کلام، موجب ظهور در این است که واقعه ثبوتی و خارجی نیز کش دار است. دلالت فاصله انداختن بین دو جزء کلام بر فاصله دار بودن دو واقعه، دلالت وضعی نبوده و دلالتی قهری است که متوقف بر شیء دیگری نیست. فاصله انداختن بین دو جزء کلام در مقام اثبات به ضمیمه اصاله التطابق بین اثبات و ثبوت، اقتضای ظهور در فاصله دار بودن واقع را دارد. پس مقتضی دلالت آن هر چند وضعی نیست اما مقتضی بالفعل است.

باید دقت داشت: لازم نیست ظهور فعلی باشد و فعلی بودن مقتضای ظهور کافی است به همین دلیل، در صورت وجود دو مقتضی مزاحم، قطعا ظهور فعلی برای هر دو مقتضی وجود ندارد هر چند مقتضی هر دو، فعلی است. در این موارد باید مقتضای قوی را مقتضای ضعیف، مقدم کرد. در صورت وجود یک مقتضی فعلی و یک مقتضی تعلیقی، مقتضی فعلی مقدم شده و نوبت به مقتضی تعلیقی نمی رسد.

### مقتضیات ظهور در حدیث عقبه بن خالد

با این توضیحات باید ملاحظه کرد: کدام یک از نکات موجب شکل گیری ظهور در عبارت، در عالم اقتضا فعلی بوده و کدام یک تعلیقی است. در لا ضرر و لا ضرار چند ظهور و لو به نحو بدوی وجود دارد.

1. ظاهر لا ضرر و لا ضرار در کلام پیامبر ص بودن است.
2. لا ضرر و لا ضرار، متصل به حدیث شفعه بوده و پیامبر ص دو کلام جداگانه نفرموده و در مجلس واحد هر دو کلام را بیان کرده اند.
3. لا ضرر و لا ضرار، کبرایی است که حدیث شفعه مصداق آن است. ظهور ذکر لا ضرر و لا ضرار در ادامه حکم به شفعه، ظهور در این دارد که پیامبر ص کبرایی را بیان کرده که مورد مصداق آن است.
4. مراد از لا ضرر و لا ضرار، نفی حکم به لسان نفی موضوع و نفی حکم ضرری در شریعت است نه تدارک و جبران ضرر و سایر مبانی محتمل.

این چهار مقتضی ظهور در دلیل وجود دارد که باید دید کدام ظهور در عالم اقتضا، بالفعل بوده و کدام یک تعلیقی است. اگر هر چهار فعلی بودند، قهرا این چهار ظهور با هم تزاحم می کنند و باید اقوی ظهورا را بر اضعف ظهورا مقدم کرد و اگر به فرض سه ظهور بالفعل بوده و یکی از آنها تعلیقی باشد، ظهور تعلیقی با فعلیت سایر اقتضاها به فعلیت نرسیده و کنار گذاشته می شود. پس از بیان این مطلب، هر یک از ظهورات مورد بررسی قرار می گیرد.

#### تقاریب ظهور اول (کلام پیامبر ص بودن لا ضرر)

ظهور اول در این که لا ضرر و لا ضرار، کلام پیامبر ص است. در اثبات این مطلب، چند تقریب بیان شد:

##### تقریب اول: دلالت عدم قرینه بر اتمام بر تتمه بودن

تقریب اول را مرحوم صدر بیان کرد که ما دامی که قرینه بر اتمام منقول توسط متکلم بیان نشده، کلام بعدی ظهور در تتمه بودن برای منقول قبلی دارد. پس «قال لا ضرر و لا ضرار» تتمه کلام امام صادق ع بوده و مرجع ضمیر قال پیامبر ص است. همانگونه که روشن است این ظهور تعلیقی بوده و متوقف بر نبود قرینه بر خلاف است. پس با وجود ظهور بر خلاف، اقتضایی برای ظهور باقی نخواهد ماند.

##### تقریب دوم: ظهور عطف در معطوف علیه بودن اولین شیء ممکن

تقریب دوم را آقای سیستانی فرمود که ظهور عطف در این است که معطوف علیه اولین چیزی است که امکان عطف به آن وجود دارد. هر چند این تقریب برای ما مفهوم نبود ولی به نظر می رسد با پذیرش آن، این ظهور بالفعل نیست و بازگشت آن به عدم ذکر قرینه بر رجوع به ابعد است. ذهن مخاطب منصرف به آخرین جایی است که لفظ متوقف شده و متکلم اگر این انصراف را قبول نداشته باشد، باید قرینه ای بر خلاف ذکر کند و از سکوت متکلم و عدم نصب قرینه، ظهور اثبات می شود.

##### تقریب سوم: شهرت انتساب لا ضرر به پیامبر ص

تقریب سوم که آن را نیز آقای سیستانی فرمود، شهرت انتساب لا ضرر و لا ضرار به پیامبر ص است. به نظر می رسد این ظهور فعلی بوده و متوقف بر عدم ذکر قرینه بر خلاف نیست.

تقریب چهارمی را ما بیان کردیم که در جلسه آینده فعلی بودن یا تعلیقی بودن آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.